

مراسم پرشکوه حج، همچون عبادات دیگر، دارای برکات و آثار فراوانی در فرد و جامعه اسلامی است که اگر در مطابقت به سنت فرستاده خدا و برنامه صحیح انجام پذیرد، و از آن بهره برداری بهینه گردد، شاهد تحول بزرگ و مثبت در خود و جوامع اسلامی خواهیم بود، زیرا مراسم حج در ابعاد مختلفش، هریک از دیگری ریشه دار تر و مفید تر است، مهمترین فلسفه حج، همان دگرگونی اخلاقی است. به همین دلیل است که خداوند متعال به ابراهیم علیه السلام پیغمبر اولوالعزم خویش چنین ارشاد می فرماید: ﴿وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَكَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ﴾ الحج: ۲۷ " و در میان مردم برای (ادای) حج بانگ برآور تا (زایران) پیاده و (سوار) بر هر شتر لاغری که از هر راه دوری می آیند بسوی تو روی آورند "

مؤلف فی ظلال القرآن در تفسیر آیه شریفه فوق می نویسد: « همیشه وعده خدا تحقق پیدا می کند، از آن زمان که ابراهیم بوده است تا به امروز و تا فردا و فردای دیگر، همیشه دل های مردمان بسوی این خانه مورد احترام خدا بال و پر می گشاید و بدانجا می آید، و عاشقانه به دیدن و طواف کردن این خانه بار سفر بر می بندد و پرواز می کند، دارائی که توانائی دارد بر پشت شتران و سائرمکب ها و وسایل سواری گوناگون دیگر می نشیند و سواره بسوی این خانه می آید. ناداری که جز پاهای خود را نمی یابد پیاده بسوی آن روان می شود، هزاران نفر از اینان و از آنان از راه های فراخ و از جاده های دور سرزمینهای گوناگون بسوی این خانه سرازیر می شوند و دعوت خدا را پاسخ می گویند که توسط ابراهیم علیه السلام هزاران سال است اعلام و اعلان گردیده است» (فی ظلال القرآن، ج ۴ ص ۶۶۳)

دین اسلام دین وحدانیت خالص و یکتا پرستی است. دینی است که اعتقادی به وساطت در ارتباط بین بندگان با خدایشان ندارد. مومنان و مسلمنان، خدایی را عبادت می کنند که از دایره ادراک و ابصار بالاتر است. خدای یگانه مومنان نه تصویر است و نه بت، نه مجسمه است و نه جسم. تنها کسانی می توانند به این معبود یکتا برسند که دارای تفکر بلند، نیت و اراده ای قوی، اخلاص در عمل و انقطاع از اغیار باشند.

تربیت یافتگان دین اسلام به درجه ای از بلندنظری و عقیده شفاف و خالص می رسند که دیگر ادیان و نظریات فلسفی از تربیت چنین افرادی عاجز اند.

دین اسلام برای تربیت و اصلاح پیروان خویش، دارای یک سلسله احکام و قوانین است که برخی از این احکام به عنوان شعائر و مظاهر تجلی قدرت و عظمت اسلام - این دین آسمانی - تلقی می شوند. به عنوان مثال حج بیت الله الحرام نمونه ای از شعائر اسلام است که خود دارای مناسک و افعال و ایامی است که هر کدام از آنها به نوع خود جزو شعائرالله محسوب می شوند، همان شعائری که تعظیم و بزرگداشت آنها نشانه تقوای قلب و مایه خیر معرفی شده است. چنانکه خداوند متعال می فرماید: ﴿وَمَنْ يُعْظِمِ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ الحج: ۳۲

و هر کس شعائر خدا را بزرگ دارد در حقیقت آن (حاکمی) از پاکای دل هاست "

مرحوم استاد محمدعلی صابونی در تفسیر آیه فوق می نگارد: « آنانیکه امور دین را که یکی از آن انجام دادن اعمال حج، قربانی و هدایا است تعظیم میکنند و بزرگ می شمارند، این امر دال برصفت و افعال متقیان است. یعنی آنانیکه خاص اعمال شان را از ترس خدا جل جلاله انجام میدهند، و همچنان به نقل از تفسیر قرطبی نگاشته است: تقوا را از این جهت بر قلوب اضافه نموده است، زیرا که حقیقت تقوا در قلب است چنانچه در حدیث آمده است: (التقوی ههنا) (پیامبر صلی الله علیه و آله) بطرف صدرخویش اشاره نمودند» (صفوة التفسیر، ج ۲ ص ۲۸۹)

و نیز می فرماید: ﴿وَمَنْ يُعْظِمِ حُرْمَتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ﴾ الحج: ۳۰

" و هر کس مقررات خدا را بزرگ دارد آن برای او نزد پروردگارش بهتر است "

آری! حج با تمام مناسک و افعال خود نمونه ای از ارتباط عمیق و بی تکلفی در میان بنده و مولایش است. خداوند متعال قسمتی از کره خاکی را مورد رحمت خاص خویش قرارداده است، این بخش از کره خاکی چنان با رحمت خدای یکتا احاطه شده و جلالیت ذات قادر و مقتدر آن را پوشانده است که مظهری از مظاهر بارز الهی قرار گرفته و ارتباطی بسیار نزدیک با خالق لایزال دارد به طوری که انسانهای مومن با دیدن آن بلافاصله به یاد خداوند رحیم و مهربان می افتند و درعین حال به محض رویت آن بدنهایشان به لرزه افتاده و جلالیت خداوند جل جلاله تمام وجودشان را فرا می گیرد.

براستی چرا چنین مکانی به این مقام و عظمت نرسد در حالیکه روزگاری امام المخلصین و اسوه موحدین به همراه خانواده کوچک و مبارکش که آنها نیز نماد کاملی از اخلاص، وفا، ایثار و جانفدائی بودند و نمونه بارزی از محبت و دوستی خالصانه و اخلاص شگفت انگیز را از خود به نمایش گذاشتند و انبیاء پیامبران موحد و مخلص و نیز محبان و جانفدایان در هر عصر و زمانی همان اعمال و افعال را تکرار کرده و دقیقاً بر نقش قدم آنان قدم گذاشتند، از طواف بیت الله تا سعی بین صفا و مروه، از وقوف در عرفات گرفته تا میدان مزدلفه و از رمی جمرات گرفته تا قربانی در منی همه و همه بیانگر اخلاص، ایمان، جانفدائی و از خود گذشتگی بزرگترین موحد تاریخ ابراهیم خلیل، هاجر و اسماعیل معصوم است.

به راستی آنان محبان و محبوبان واقعی پروردگار بودند و این حب و جانفدایی آنان چنان تاثیری را در جهان بشری بر جای می گذارد که خداوند متعال علاوه از اجر و پاداش اخروی، تمام هجرتها و تحمل مشقتهاى آنان را اثری جهانی بخشیده و ندای ابراهیم علیه السلام را از آن سرزمین بی آب و علف و لم یزرع به گوش تمام مسلمانان دنیا تا قیامت می رساند و اعمال و افعال هاجر - آن زن فدا کار و مخلص - را برای همیشه ماندگار می گرداند، چنانچه خداوند متعال می فرماید: ﴿وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَاتِ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ فِي شَيْءٍ وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَكَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ يُشْهِدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا مِن مَّا رَزَقْنَاهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ﴿٢٦-٢٩﴾

و چون برای ابراهیم جای خانه را معین کردیم (بدو گفتیم) چیزی را با من شریک مگردان و خانه ام را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان (و) سجده کنندگان پاکیزه دار، و در میان مردم برای (ادای) حج بانگ بر آور تا (زایران) پیاده (و) سوار) بر هر شتر لاغری که از هر راه دوری می آیند بسوی تو روی آورند، تا شاهد منافع خویش باشند و نام خدا را در روزهای معلومی بر دامهای زبان بسته که روزی آنان کرده است ببرند پس از آنها بخورید و به درمانده مستمند بخورانید، سپس باید آلودگی خود را بزدايند و به نذرهای خود وفا کنند و بر گرد آن خانه کهن (کعبه) طواف بجای آورید "

حج با تمامی مناسک، ارکان و اعمال مربوط به خود، نمونه بارزی است از اطاعت مطلق و امتثال بدون چون و چرا از فرامین خداوند متعال. در مراسم حج، حاجی از خودش هیچ گونه اختیار و اراده ای ندارد، او همواره در بین مکه و منی و عرفات و مزدلفه در حال رفت و آمد است، جایی توقف می کند و جایی حرکت می کند. زمانی که در منی قرار می گیرد بدون اینکه در مزدلفه توقیفی داشته باشد بلافاصله به طرف عرفات به راه می افتد و در میدان عرفات به دعا و تضرع مشغول می شود و به همین ترتیب تمام مناسک را یکی بعد از دیگری انجام می دهد.

بارزترین نکته ای که بیانگر عبدیت محض می باشد ترک نمودن نماز مغرب در میدان عرفات و اقامه آن همراه با نماز عشاء در مزدلفه است زیرا خداوند حاکم و مقتدر این دستور را داده است و حاجی بنده و مطیع خدای خویش است نه مطیع نماز خودش. یکی دیگر از مظاهر بسیار جذاب حج اجتماع باشکوه و میلیونی خیل عظیمی از مسلمانان و مؤمنان صادقی است که با قلبی صاف و نیاتی صادقانه و مخلصانه در مکانی با هم جمع می شوند که این اجتماع آنها نمونه کوچکی از روز رستاخیز را به نمایش می گذارد. شاه ولی الله دهلوی رحمته الله علیه در مورد اجتماع با شکوه حج می فرماید: «مصالحی که در حج به ملاحظه می رسند، برخی از آنها عبارت اند از: تعظیم بیت الله، زیرا آن از شعائر الله است، و بزرگداشت آن تعظیم خداوند صلی الله علیه و آله پنداشته می شود.

تحقق معنای اجتماع مصلحت دیگر حج است، زیرا هر دین و دولتی یک اجتماعی دارند که از دور و نزدیک در آن شرکت می نمایند و با یکدیگر آشنا می شوند و احکام دین و آئین خویش را از یکدیگر می آموزند و از شعایر آن تعظیم بجا می آورند، و همچنان حج میدان اجتماع مسلمانان، ظهور شوکت شان، اجتماع و بزرگداشت دین آنهاست و همین است منظور از قول خداوند متعال که می فرماید:

﴿وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنَا﴾ البقرة: ۱۲۵

یاد کن وقتی را که کعبه را مرجع مردم و باعث امن قرار دادیم " حجة الله البالغه، ج ۲ ص ۱۴۱

مناسک حج

مناسک حج طواف کعبه معظمه، سعی بین صفا و مروه، وقوف عرفات، توقف در مزدلفه، رمی جمره، تراشیدن یا کوتاه نمودن موی سر، قربانی و شب سپری نمودن در منی که همه این امور از خود زمان معین، مکان معین، ترتیب معین و مقدار معینی دارند. حج با تمام ارکان و افعال خود چنان عظمت و ابهتی را به نمایش می گذارد که بیان کیفیت آنها در قالب الفاظ و کلمات نمی گنجد بلکه برای درک واقعی آنها باید در آن مکانهای نورانی و عرفانی حاضر شد و پیشانی بندگی را در هر کدام از آن اماکن بر زمین نهاد و اشک دیدگان را نثار آن مکانهای مقدس نمود.

مراسم روحانی و عرفانی حج نمونه ای بسیار بارز از صحرای محشر و ایستادن در مقابل خداوند یکتا را به تصویر می کشد، در این مراسم پادشاه و گدا، حاکم و رعیت، پیر و جوان، سوار و پیاده، سیاه پوست و سفید پوست، عرب و عجم، با دو پارچه نخی، سرعربان و چشم گریان زیر یک آسمان در یک صحرا همه دست به سوی آسمان بلند کرده و در حال دعاء و گریه و زاری با خالق و مالک حقیقی خویش به نیایش پرداخته و از ذات مهربان و بخشنده اش طلب بخشش و آمرزش گناهان را می نمایند... یکی در سجده و یکی در رکوع و دیگری در حال قیام و قرائت سوره های طولانی در نماز. یکی با تلاوت قرآن سعی در زدودن زنگار گناه و غفلت از دل و جان خویش دارد و دیگری با نماز و کثرت سجده قصد تقرب هر چه بیشتر به بارگاه الهی.

برخی از حکمتها و فلسفه های حج

مناسک حج با پوشیدن لباس احرام آغاز می گردد. « عن ابن عمر (رضی الله عنهما) عن النبی (صلی الله علیه وسلم) أن رجلاً سأله ما یلبس الحرام فقال لا یلبس القمیص و لا العمامة و لا السراویل و لا البرنس و لا ثوبا مسه الورس أو الزعفران فإن لم یجد النعلین فلیبس الخفین ولیقطعهما حتی یکونا تحت الکعبین». نیل الأوطار، ج ۳ ص ۳۴۳

از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که مردی از رسول الله سوال نمود که محرم کدام لباس را بپوشد؟ ایشان فرمودند: محرم نباید پیراهن، دستار، کلاه و تنبان بپوشد و نیز جامه را که آلوده با خوشبویی و یا زعفران باشد و موزه ها را نپوشد، و اگر چیز دیگری غیر از موزه برای پوشیدن نیافت، آنرا پائین تر از شتالنگ ها قطع نموده و بپوشد"

لباس احرام خود بزرگترین درس و حکمت حج را برای همگان مشخص می نماید؛ تمام انسانها از شاه گرفته تا گدا، از حاکم گرفته تا رعیت، از باسواد و روشنفکر و سیاستمدار گرفته تا بیسواد و از عالم گرفته تا عامی، همه و همه در یک لباس ظاهر می شوند، اینجا دیگر هیچ کس نمی تواند با لباس فاخرانه خود در مقابل کسانی که لباس کهنه دارند فخرفروشی نماید، اینجا همه برابرند، هیچ نشانی از برتری و فضیلت ظاهری مشخص نیست، اینجا نمایشگاهی از درجه ایمان، تقوا و شور و عشق خدایی است که در قلب هر شخص موجود است، هر کس به هر میزان که از درجه ایمان و تقوای بالاتری برخوردار باشد به همان میزان بیشتر از حج و انجام مناسک آن لذت برده و به درجات بالاتری از عرفان و معرفت الهی دست می یابد. همه این علائم و خصوصیات بزرگترین فلسفه حج که همان روز قیامت است، را به تصویر می کشد. میدان عرفات و کیفیت دعا و تجمع در این روز و در این مکان که هر کس مشغول دعا و گریه و زاری است و با مشغول شدن به دعا و یادآوری گناهان و طلب عفو و بخشش از بارگاه ایزدی، متوجه اطراف نبوده و در دنیای خودش بسر می برد، تصویری بسیار زنده و گویا از میدان محشر و ایستادن در مقابل محکمه عدل الهی است، در آن روز (میدان محشر) نیز هر کس فریاد «نفسی نفسی» سر داده و هیچ فکر و پریشانی ای به جز کیفیت حساب و خاتمه ای که در انتظارش هست را در سر نمی پروراند. در روز رستاخیز قیامت نیز همه انسانها بدون لباس و بدون هیچ گونه دارایی و در اختیار داشتن اشیای دنیوی در مقابل پروردگار حاضر می شوند و در آن روز نیز تنها چیزی که باعث برتری و فضیلت محسوب می شود، قلب پاک و سالم از هر گونه شرک و گناه است و بس؛ طوریکه خداوند متعال فرموده اند: ﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾^{الشعراء: ۸۸ - ۸۹}

" روزی که هیچ مال و فرزندی سود نمی دهد، مگر کسی که دلی پاک بسوی خدا بیاورد"

هر کس از قلب پاکتر و سالمتری برخوردار باشد به همان اندازه مورد تکریم پروردگار قرار گرفته و به درجات بالاتری از بهشت برین نائل می گردد.

مفسرین کرام در رابطه نگاشته اند: «در حقیقت این دو سرمایه مهم زندگی دنیا، یعنی: اموال و نیروهای انسانی در آنجا کمترین نتیجه برای صاحبانش نخواهد داشت، و به طریق اولی سایر سرمایه های این جهان، که در رتبه های بعد از این دو قرار دارند، سودی نخواهد بخشید.

بدیهی است منظور از مال و فرزندان در اینجا، مال و فرزندان نیست که در طریق جلب رضای خدا بکار گرفته شده باشند، بلکه تکیه، روی جنبه های مادی مسئله است، منظور این است که: سرمایه های مادی در آن روز مشکلی را حل نمی کند، اما در صورتیکه در طریق اطاعت فرمان پروردگار قرار گیرند سرمایه مادی نخواهند بود، رنگ الهی و صبغه الله بخود می گیرند و باقیات الصالحات محسوب می شوند. آن گاه به عنوان استثناء بر این سخن می افزاید: مگر کسی که به حضور خدا بیاید در حالیکه قلب سلیم (سالم از هر گونه شرک، کفر و آلودگی به گناه داشته باشد) و به این ترتیب، تنها سرمایه نجات بخش در قیامت، قلب سلیم است، چه تعبیر جامع و جالبی! تعبیری که هم ایمان خالص و نیت پاک در آن وجود دارد، و هم هر گونه عمل صالح؛ چرا که چنین قلب پاک، ثمره جز عمل پاک نخواهد داشت.

و به تعبیر دیگر، همانگونه که قلب و روح انسان، در اعمال انسان مؤثر است اعمال او نیز بازتاب وسیعی در قلب و جان دارد، و آن را به رنگ خود خواه رحمانی یا شیطانی، درمی آورند» (تفسیر نمونه، ج ۱۵ ص ۲۹۳)

یکی دیگر از درسهایی که حج برای مسلمانان در پی دارد، درس زندگی و استفاده از اوقات و لحظات زندگی است. حج به طور خلاصه عبارت است از اعمالی مخصوص در ایامی مخصوص که هر عملی باید در وقت و محل خودش انجام گرفته و تا قبل از پایان یافتن ایام حج باید تمامی اعمال و مناسک آن انجام گیرد، زندگی انسانها نیز به همین ترتیب است، خداوند متعال وقت محدود و مختصری را به انسانها ارزانی داشته و این وقت مختصر، فرصتی است که باید هر انسان از آن به نحو مطلوب و در جهت دست یافتن به خوشبختی و کامیابی زندگی جاودانی اخروی خویش بهره برداری نماید.

یکی از ظرافتها و لطایف مهم و قابل توجه در حج، این است که به طور خلاصه همه ارکان و عبادتهای اسلام را در خود جای داده است، حج نمادهای بارزی از توحید، نماز، روزه، زکات، جهاد، ذکر و تسبیح و... را در بر دارد؛ حرکات جسمانی و روحانی به عنوان نمادی از فریضه مهم "نماز"، خرج کردن مال به عنوان نمادی از "زکات"، تحمل گرسنگی و تشنگی و اجتناب از دیگر خواهشات نفسانی و شهوانی نمادی از "روزه" است، "هروله" و سعی و تلاش نمودن از علائم "جهاد" بشمار می روند. خلاصه اینکه هیچ عبادتی نیست که حج گوشه ای از آن را در برداشته باشد.

تمثیل همه عبادات در حج بذات خود یک درس است و همان طور که قبلاً ذکر شد حج مشابهت بسیار زیادی با زندگی دارد و همان طور که در حج باید تمام اوامر و مناسک حج بدون چون و چرا انجام گیرد، زندگی انسان نیز باید مطابق اوامر خداوند و رهنمودهای رسول اکرم صلی الله علیه و آله سپری گردد، همان گونه که در حج هر از گاهی ندای زیبا و ملکوتی «لیک اللهم لیک..» ترنم می شود - که خود بیانگر توحید و فرمان برداری کامل از پروردگار جهانیان است - زندگی هر مسلمان نیز در طول عمر باید گویای عملی روشنی از ندای "لیک

اللهم لييك" باشد. «عن ابن عمر (رضي الله عنهما) قال سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يهل ملبدا يقول: لبيك اللهم لبيك لا شريك لك لبيك ان الحمد والنعمة لك والملك لا شريك لك لا يزيد على هؤلاء الكلمات» (فيض الباري، ج ۳ ص ۱۲۲)

ابن عمر رضي الله عنهما روایت نموده است که پیامبر صلى الله عليه وآله را در حالیکه احرام کهنه به تن داشت شنیدم که چنین تلبیه می گفت: لبيك اللهم لبيك لا شريك لك لبيك ان الحمد والنعمة لك والملك لا شريك لك و چیزی بر این کلمات نمی افزود

"رمی جمرات" یکی دیگر از احکام و مناسک حج است: «عن ابن عمر (رضي الله عنهما) أن رسول الله (صلى الله عليه وسلم) كان إذا رمى الجمره التي تلي مسجد منى يرميها بسبع حصيات يكبر كلما رمى بحصاة ثم ينحدر ذات اليسار مما يلي الوادي فيقف مستقبل القبلة رافعا يديه يدعو و كان يطيل الوقوف ثم يأتي الجمره الثانية فيرميها بسبع حصيات يكبر كلما رمى بحصاة ثم ينحدر ذات اليسار مما يلي الوادي فيقف مستقبل القبلة رافعا يديه يدعو ثم يأتي الجمره التي عند العقبة فيرميها بسبع حصيات يكبر عند كل حصاة ثم ينصرف ولا يقف عندها». صحیح البخاری، کتاب حج، باب دعاء عند الجمرین

"از عبدالله ابن عمر رضي الله عنهما روایت است که رسول الله برای زدن جمرات رفت، آنرا که نزدیک قربانگاه و مسجد منی بود، با هفت سنگریزه زد، و با زدن هر سنگریزه تکبیر می گفت، بعد از آن کمی پیش رفته و رو بروی قبله ایستاده شد و دست های خود را بلند کرده و مدت زیادی به دعا مشغول شدند، بعد از آن به جمره دومی آمده و آنرا با هفت سنگریزه زدند، در هر زدن تکبیر می گفتند، بعد از آن بطرف چپ پائین شدند و در آنجا بازهم یک توقف طولانی و دعا نمودند، بعد از آن بطرف جمره آمد که نزدیک عقبه بود و آنرا با هفت سنگ زد و با زدن هر سنگ تکبیر می گفتند ولی در آنجا توقف نکردند"

در این قسمت از مناسک حج اگر چه هدف سنگریزه های پرتاب شده یک ستون سنگی بیش نیست، اما در این حکم نیز فلسفه و حکمت‌های بسیار زیادی نهفته است: اولاً خود این عمل بیانگر اتباع بدون چون و چرای مسلمان از فرامین الهی و روش سید المرسلین است و ثانیاً این ستون و دیوار یادآور لحظاتی است که حضرت ابراهیم عليه السلام برای انجام دستورات الهی عازم میعادگاه بود که شیطان بر سر راهش سبز شده و با ایجاد وسوسه قصد منحرف نمودن ایشان را داشته است، اما حضرت ابراهیم با پرتاب سنگ و پناه بردن از شر او به خداوند قوی و مقتدر، او را از خود دفع نمود که این واقعه بیانگر این مطلب است که شیطان در طول زندگی سعی در اغوا و گمراه نمودن انسانها دارد که هر انسانی باید به هر طریق ممکن او را از خود دور کرده و فریب وسوسه هایش را نخورد، و نکته دیگر اینکه "رمی جمرات" بیشتر از دیگر اعمال و مناسک حج انجام می گیرد به طوری که حاجی تا سه روز متوالی این عمل را انجام می دهد که این نیز بیانگر اهمیت موضوع است که حفاظت از کید و مکرهای شیاطین (جنی و انسی) در طول زندگی بسیار مهم و حیاتی است که انسانها هرگز نباید از آن غافل باشند.

یقیناً که حج یکی از بناهای بزرگ پنجگانه اسلام بشمار می رود، این وجیبه الهی نقش مهمی را در ساختار سلامت فرد و جامعه انسانی ایفا می کند، این عبادت سیر تکاملی بسوی مکارم والای انسانی است.

سیری است بسوی خداوند صلى الله عليه وآله بسوی تاریخ انسانیت و مسلمانان، سیری بسوی شخصیت های ارزنده و تاریخ ساز، سیری است بسوی محبت حقیقی، بسوی اصل انسانیت بسوی تمدن، و سیری است بسوی ترقی و تعالی بشر.

حج مدرسه ایمانی بزرگی است که مسلمانان در آن در عرصه های مختلف و در تمامی بخش دین اعم از عقاید و عبادات و سلوک، درس های بزرگ و فوائد ارزشمند و اندرز های مفیدی می آموزند، که البته آنان در این آموزش از نظر کیفیت و حجم آموخته های شان باهم بسیار متفاوت اند سپری نمایند.

مسلمانان سالانه چشم به راه این موسم عظیم بوده با شوق و شور و علاقه بسیار آنرا پذیرائی می نمایند، تا بتوانند طاعت و عبادت خداوند صلى الله عليه وآله را در روزهای محدود و زود گذر این موسم جلیل القدر، با سائر مسلمانانیکه از سرزمین های دور و نزدیک حضور یافته اند، گرد کعبه مشرفه، با شور و شوق فراوان به بیت عتیق، سپری نمایند، و بدینوسیله ارتباط مستقیم و بدون تخلخل به ذات کبریائی او تعالی جل و مجده قایم کنند. شکی نیست که در این روزهای پر فیض، هر مسلمانی در هر جای دنیا با شوق فراوان آرزو می کند که ای کاش من هم مشغول ادای این فریضه بزرگ می بودم، و کاش اینک در این مراسم مقدس حضور می داشتم، زیرا رسول الله می فرماید: «
العمره الى العمرة كفارة لما بينهما والحج المبرور ليس له جزاء الا الجنة» (صحیح البخاری/ ۱۷۷۳ ترمذی ۹۳۳ مسلم ۱۳۴۹)

یک عمره تا عمره دیگر سبب کفاره گناھانی است که بین این دو عمره صورت می گیرد و حج مبرور پاداشی بجز جنت ندارد" و می فرماید: «
الحجاج والعمار وفد الله إن دعوه أجابهم و إن استغفروه غفر لهم». (سنن ابن ماجه، کتاب المناسک باب فضل الدعاء بالحجاج)
حجاج و عمره کنندگان مهمانان پروردگار اند، و اگر دعا کنند، اجابت کرده می شود و اگر مغفرت بخواهد برایشان مغفرت کرده می شود"

به راستی که فرصتی طلائی است که بنده مؤمن در آن برای آخرتش توشه بگیرد، از توبه آغاز کند و مخلصانه به بارگاه پروردگارش اعلان پشیمانی نماید، و با جدیت کامل به طاعت و عبادت روی آورد و برای حصول رضا و خوشنودی پروردگارش به شدت تلاش نماید.

در مراسم حج فرهنگ اسلامی که به اساس اخوت و وحدت ملت ها نهاده شده است، به گونه بسیار عالی آن تمثیل می گردد. حج یادی از جاودانه ترین یادگار ربانی می باشد که بشر تا به امروز بیاد دارد، یادگاری از خانواده صبور و شکیباییست که بخاطر امتثال امر الهی هرگونه مشکلات را متحمل شده اند، خاطره از آن فرزند وفا شعاریست که در محراب قربانی حاضر شده است تا به وعده خود وفا نموده و جان شیرین خود را به حکم خداوند صلى الله عليه وآله قربان نماید، خاطره آن پدری است که حاضر است یگانه فرزند عزیزش را

بفرمان پروردگارش قربان نماید، یادی از مادریست که بفضل و رعایت الهی کاملاً مطمئن و مطیع امر اوست، یادی از همسریست که دستور شوهرش را تا آخرین توان اطاعت می نماید، یاد گاریست از یک توکل کامل، یادی است از یک فتح مبین، یاد گاری از یک برگشت ظفرمندانه مستضعفانی که از بیت الله شریف اخراج شده بودند.

خلاصه اینکه هر حکم از احکام حج دنیایی از فلسفه و حکمت را در خود جای داده اند که بیان همه آنها کار بسیار مشکلی است. اما در مجموع می توان گفت که مراسم حج همراه با مناسک و احکام و اعمال خود، چکیده ای از زندگانی دنیا، عالم برزخ و یادآور حشر و نشرو حساب و کتاب و صحنه قیامت است.

فهرست مراجع:

۱- قرآن کریم

۲- قطب، سید، فی ظلال القرآن، ترجمه دکتر مصطفی خرم دل، نشر احسان، تهران ۱۳۸۶.

۳- صابونی، محمد علی، صفوة التفاسیر، دار القلم-بیروت-الطبع الخامسة ۱۴۰۶ ق.

۴- الشوکانی، محمد بن علی بن محمد، نیل الأوطار من اسرار منتقى الأخبار، تحقیق الشيخ علی محمد معوض والشيخ عابد عبد الموجود، دار الكتاب الرئی-بیروت-لبنان، الطبعة الولی ۱۴۲۰ ق.

۵- شیرازی، مکارم، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیة تهران ۱۳۸۷.

۶- هروی، عبد الرحیم، فیروز، فیض الباری شرح مختصر صحیح البخاری، دارالندوة العالمیة، ریاض ۱۴۲۷

۷- بخاری، ابو عبد الله محمد محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزیه، صحیح البخاری، .

۸- الترمذی، ابی عیسی محمد بن عیسی بن سورة، سنن الترمذی، المكتبة التجارية، مكة المكرمة السعودیة.

۹- القشیری النیشابوری، مسلم بن الحجاج، صحیح مسلم مع شرح النووی، الطبعة الاولى ۱۴۱۴ ق.

۱۰- القزوینی، ابی عبد الله محمد بن یزید، سنن ابن ماجة، دار الحدیث القاهرة، مصر ۱۴۱۴ ق.

۱۱- محدث دهلوی، شاه ولی الله، حجة الله البالغه، ترجمه مولانا سید محمد یوسف حسین پور، اداره دار النشر افغانستان ۱۳۸۳ هجری شمسی.